

ایشان در مورد رابطه انقلاب و مکتب از نظر خراتندگان عزیز گفتند: در این شماره نامه مطلب پیرامون ضرورت کارهای فرهنگی و مسئله انقطاع از نظر خراتندگان عزیز می‌گذرد

در ادامه مصاحبه با آقای دکتر عبدالکریم سروش، مکتب را به عنوان یک نهاد فرهنگی و آموزشی در نظر می‌گیریم و سعی می‌کنیم تا حد امکان به سؤالات شما پاسخ دهیم. در شماره قبل مطالبی در این باره درج شده است.

و این جنبه که فعالیت‌های هنری باشد به نظر من از آن جنبه‌هایی بوده که تا حدودی موردغفلت واقع شده است البته اینجا و آنجا جوانه‌های کوچکی بوده ولی آنچنان که می‌بایست نبوده است، از این نظر این یک جنبه را می‌باید تاکید فراوان داشت نکته دوم هم اینکه برای فهمیدن و برای نقادی باید قدرت فکری داشت یعنی آنچه که بر درس خواندن و

سطح دانش را بالا نگه داشت و هم می‌باید سطح و حماسه شورافرینی را بالاتر نگه داشت و هیچ کدام نباید دیگری را از میدان دور کند یا به تعبیر دیگر هم می‌باید به عقل بهاداد و هم به عشق و آن تعارضی که از قدیم بین عقل و عشق بوده است باید به یک نحوی حل کرده عشق البته تئوری نمی‌شناسد و آنچه که هست یک پارچه آتش است و تلاطم که به

سؤال، فعالیت‌های فرهنگی، فکری اکنون از تنوع بسیار زیادی برخوردار است می‌خواستیم ببینیم که به نظر جنابعالی اولویت‌ها در این فعالیت‌ها کدام است و کدام موارد و قسمتهایی از فرهنگ و ایدئولوژی اسلامی هست که ضرورت داشته کار بیشتری رویش بشود و مورد بی‌توجهی قرار گرفته، درحقیقت چه بخشهایی از فرهنگ کمتر مورد توجه بوده است؟

## ضرورت کارهای ایدئولوژیک

مدرسه رفتن و مجله خواندن و ایدئولوژی یادگرفتن و برتمام اینها مقدم است این است که شخص از قدرت تفکر بالایی برخوردار باشد بطوری که به او توانایی نقادی را ببخشد. ما در جامعه خودمان نباید فکر بکنیم که افراد فقط بدنبال سخنان ما خواهند آمد اگر کسان دیگری باشند که سخنان بهتر و مایه‌دارتری عرضه بکنند این افراد بدنبال سخنان آنها خواهند رفت، اگر کسانی باشند که سخنان فریبنده تری هم عرضه کنند افراد به سراغ آنها خواهند رفت. چاره در این نیست که ما فشار تبلیغات را بالاتر ببریم بلکه جای دیگری را می‌باید درمان کنیم و آن عبارت است از اینکه نوشته‌ها و آموزشهای خودمان کاری بکنیم که مخاطب خودمان را قوی بکنیم طوری که غذاهای مختلفی که در این جامعه هست و خواه ناخواه در اختیار افراد قرار می‌گیرد افراد بتوانند با اندیشه قوی که دارند اینها را جذب کنند و آنچه که خوب است و حرکت‌ساز است و انرژی‌آفرین، اینها را بگیرند و بقیه که باطل است و تفاله دفع بکنند. از این لحاظ به نظر من بیش از اینکه در این نوع تبلیغات فکری و ایدئولوژیکی ما به پرکردن اذهان بها می‌دهیم بیش از این باید به ساختن اذهان و به مقتدر کردن آنها اهمیت بدهیم و حتی اگر مطالب را کم می‌دهیم ولی چنان سنجیده و چنان موزون و بیراسته باشد که شخص احساس کند که در اینجا دارند صادقانه از روی منطق با او سخن می‌گویند نه اینکه فقط احساسات او را مخاطب قرار داده‌اند و می‌خواهند ذهن او را از حجم عظیمی از مطالب پر کنند. من این توصیه را هم اینجا عرض می‌کنم خدمت برادران که شما از لایزال متونی که می‌نویسید و روشی که در پیش می‌گیرید در مخاطبان تاثیر می‌گذارد یعنی آنچه را که شما آشکارا می

هرچاپرسد ویران می‌کند می‌سوزد، می‌سازد، همه این کارها از او برمی‌آید اما اگر مهار عقل در کنارش نباشد، خوف این هست که مبدا ویرانش از سازندگیش افزون تر باشد، ولی در اینجا اگر تنها، عقل سرد و بی‌عاطفه و بی‌روح و حسابگر حاکم بشود و هیچ بهره‌ای از عشق در او افسانده نشود اینجاست خوف این می‌رود که یک عده انسانهایی که روحشان از عاشقی و از ایثارگری بهره‌ای ندارند اینها حاکم بشوند و رفته رفته خدای ناکرده به جای عقل رحمانی عقل شیطانی بنشینند و انقلاب راه انحرافی ببینایند بنابراین هر دو اینها را باید پایه پای هم حفظ کرد از این نظر من عقیده‌ام این است که در فعالیت‌های

جواب: عرض می‌شود که یکی از دانشمندان فرهنگی یک جمله‌ای دارد که می‌گوید هر کسی جوانان را در اختیار دارد آینده را در اختیار دارد این آموزیدهبی و تصدیق پذیر است بنابراین اگر من بخواهم یک اشاره منجم کرده باشم به اینکه کدام دسته از فعالیت‌های فکری و ایدئولوژیکی ضرورت تام دارد

خواهم گفت آن دسته از فعالیت‌های فکری و ایدئولوژیکی که متمرکز روی جوانان باشد و اندیشه آنها را بالا ببرد این در یک کلام، بنابراین شما هم که الان مخاطبین اصلی‌تان در این مجله جوانان هستند، به نظر من در جاده صحیحی کام برمی

### آن دسته از فعالیت‌های فکری و ایدئولوژیکی ضرورت تام دارد که متمرکز روی جوانان باشد و اندیشه آنها را بالا ببرد.

فکری و ایدئولوژی در همان جا که اندیشه را و فکر را عرضه می‌کنیم در همانجا باید شور و عشق را هم در کنار او عرضه کنیم این یکی از اساسی‌ترین مسائلی است که همیشه باید دانست که یک انقلاب برد و چیز استوار بوده و همچنان هست یکی عقل و دیگری عشق، یکی اینکه افراد می‌دانستند و از اندیشه‌های مکتب تغذیه می‌کردند و در فتن آنها فکراتی بود و ایده‌هایی بود که آنها را به حرکت وامی‌داشت دوم اینکه عالم‌های سرد و بی‌روحي نبودند بلکه می‌دانستند و عشق هم می‌ورزیدند و این دو تا بر روی هم دو چرخ می‌بودند که انقلاب را به جلومی برد، هرگونه فعالیت فکری می‌باید همراه با فعالیت هنری باشد

دارد و عمده فشار و عمده تاکید را در این جا باید بر جوانان داشت که سرمایه‌های آینده این مملکتند و هر چه که در آینده در این مملکت بوجود بیاید مسلماً بدست جوانانی است که امروزه دارند از امثال این مجلات و رادیو و تلویزیون و مدارس، جذب فکر می‌کنند و شخصیت آنها تکوین پیدا می‌کند. امانوع فعالیت‌های فکری و ایدئولوژیکی که باید کرد اینها متفاوتند، مادر مورد دانشگاهها هم که درست است انقلاب فرهنگی فکر می‌کردیم و می‌کنیم یکی از مسائلی که مورد توجه واقع شده همین است که در انقلاب ما، نه فقط علم و فهم و دانش، بلکه روح حماسی و هنری از اهمیت بسیار زیادی برخوردار بوده است، بنابراین در جوانان و در جامعه هم می‌باید

قسمت دوم

گویید، چیزهایی که حتی شاید به خود شما هم آشکار نباشد و آنها خواننده شما را می سازد. آنها را تحت تاثیر قرار می دهد خواننده شما اگر ببیند که شما مدعایی که ذکر می کنید بی دلیل رد نمی شوید، بلکه حتما برای مدعاتان دلیل می آورید، این رفته رفته خواننده شما را چنان بار می آورد که همیشه در برابر یک قولی دلیل می خواهد و این به نظر من

این است وَ كُنْ أَكْثَرُ دَعْوَةً صَالِمَةً، بیشتر عمر خود را ساکت بود و سخن نمی گفت وَ اِنْ قَالَ بِذَ الْقَاتِلِينَ وَ نَعَى غَلِيلَ السَّائِلِينَ، اما وقتی سخنی می گفت، واقعا سخنی بود که تشنگی ها را فرو می نشاند، زیاد گفتن و زیاد گفتن حقیقتا هنر نیست باید به خواننده ها مخاطب های خودمان یاد بدهیم دنبال افراد پرگو و پر حرف و پر مدعا نروند و نباید بگوئیم که در پر گفتن ارزش بسیار زیادی نهفته است بلکه در کم گفتن ولی مستدل گفتن، در اینهاست که هنر است از این لحاظ من توصیه می کنم که شما در فعالیتهای فکری فرهنگستان واقعا به این جنبه نهایت توجه را داشته باشید. البته من به بعضی از این روزنامه ها می گفتم که شما زیاد در بند این نباشید که حتما در جمله سازیها پتان فکر کنید که با کلمات مترادف گفتن و عبارات پردامنه آوردن به جایی می رسید

برای اینکه شما اگر بنویسید سعی و کوشش ظلم و ستم، از این جور چیزها، خواننده احساس می کند که خوب نصف حرفهای شما را نخواند اشکال ندارد، اینها را می تواند فاکتور بگیرد و همان سعی کافی است بجای کوشش علم هم به جای دانش ظلم هم به جای ستم، خشم هم به جای غضب، - منظورم این است که خیلی چیزها هست که شما ممکن است اصلا اشاره نکنید، نگوئید ولی خواننده تان را اینجوری بار بیاورید. این بسیار مهم است انسان در رفتار و کردارش هم همینطور است خیلی از چیزهایی که ما نمی گوئیم با دیگران ولی رفتار ما با آنها سخن می گوید در دوستان ما تاثیر می گذارد. از این جهت این نکته را هم خوب است مد نظر و توجه قرار بدهیم.

سئوال: مسئله انحراف و التقاط در مکاتب

مختلف با بیانهای مختلف مطرح شده ضمن تعریف انحراف و التقاط بطور مشخص در مکتب اسلام، عوامل و زمینه هایش را توضیح بفرمائید و راههای پرهیز از التقاط و انحراف و راههای مبارزه با آنرا توضیح بفرمائید.

جواب: همه میدانیم که خصوصا پس از اینکه انقلاب اسلامی به پیروزی نشست و سازمانی به نام سازمان مجاهدین خلق بطور آشکار شروع به فعالیت سیاسی و فکری در جامعه کرد و توانست جوانانی را و سیاستمدارانی را به خودش جذب کند مسئله التقاط رفته رفته حساسیت زیادی یافت و التقاطی بودن بعضی از اندیشه های این سازمان خصوصا مورد توجه و تبلیغ بسیار زیادی قرار گرفت و به منزله یک آفتی که میتواند درد امن انقلاب و دردامن مکتب بیافتد از آن یاد شد و از آنروزگار هم تا کنون که ریشه سیاسی این سازمان کهنه شده است مسئله التقاط، همواره حساسیت آفرین بوده است و بگمان من هم البته اعم از اینکه چنین سازمانی بود یا نبود چنین فتنه ای پیا شده بود یا نشده بود علی الاصول مسئله التقاط همیشه یکی از حساسترین مسائلی است که در پیش روی مکتب قرار دارد علی الخصوص اگر مکتبی به پیروزی بنشیند و به قدرت برسد و بخواهد که در سطح وسیعی به جامعه اعمال بشود و مشکلات را حل کند و سوالات را پاسخ بدهد. در اینجاست که مسئله التقاط از لحاظ حساس بودن به اوج خودش میرسد. مسئله این است که هر مکتبی که به قوت و به غناء خودش و به اقتدار خودش در پاسخگویی به مشکلات ایمان دارد مایل هست که ناب و خالص بماند ولی این ناب ماندن و خالص بودن را میخواهد که همراه با توانا بودن داشته باشد مکتبی ممکن است که وجود داشته باشند که از همه چیز پرهیز

سی، هنری و بررسی مسئله التقاط

مهمترین چیزی است که مادر این جامعه احتیاج داریم و از آن مهمترین چیزهایی است که مورد غفلت هم واقع شده، روزنامه های ماکه من معمولا نگاه می کنم در آنها اصلا سبک استدلال را کنار گذاشته اند، همه اش ادعا پشت سر ادعا یک جمله ای می نویسند، یک جمله دیگری می نویسند، کسی هم نیست از آنها بپرسد در این جامعه ما، یک وقت یکی از روزنامه ها بود با من مصاحبه می کرد من به آنها گفتم که شما چه دلیلی دارد که هر روز دلتان می خواهد دوازده - شانزده صفحه بیاورید بیرون وقتی شما ظرف را از ابتدا مقدارش را معین کردید، باید هر چه که پیدا کنید توی این ظرف بریزید که بالاخره این دوازده صفحه تامین بشود، شما یک روزی دوصفحه در بیاورید، برید به مردم بگوئید ما امروز نداشتیم حرف بیشتر از این همین را داریم، دفعه ای دیگر بود می گفتم بیست صفحه. واقعا از نظر من مطالب از این قرار هست یعنی اینکه ما به خورد افراد بدهیم که مطالب زیاد است حجم مطالب بسیار است و بعد چیزهای یوشالی و توخالی را تحویل مردم بدهیم این واقعا اثر منفی دارد و یکی از ارزشهای منفی است که در این انقلاب باید با او مبارزه کرد بر حرفی و زیاد گفتن این هیچ وقت ارزش ندارد در واقع سکوتهای به جا از این گونه سخن گفتن ها ارزشش بیشتر است در یکی از گفتارهای نهج البلاغه هست که از امیر المومنین نقل شده است ایشان درباره یکی از دوستانش آن که سخن می گوید می فرمایند:

\* هرگونه فعالیت فکری باید همراه با فعالیت هنری باشد و این جنبه فعالیت های هنری، به نظر من تا حدودی مورد غفلت واقع شده است.

\* هر مکتبی که به غناء و اقتدار خودش ایمان دارد، مایل است ناب و خالص بماند ولی این خلوص را می خواهد همراه با توانا بودن داشته باشد ولی در موقع اجراء و پیش آمدن مشکلات است که برخی خلوص را فدای توانا بودن کرده و بعضی

آنچه که آن برادر را در چشم من بزرگ می کرد این بود که دنیا در چشم او کوچک بود و بعد صفاتی را در باره این برادر ایمانی می شمارند یکی

## ضرورت کارهای ....

کنند و چنان در صندوق خانه ها و یا در افغان معتقدین به خودشان پنهان بشوند که خلوص و ناب بودن آنها حفظ بشود یعنی اندیشه های آن مکتب با هیچ اندیشه دیگری مخلوط نشود این خلوص و ناب بودن آنها حفظ بشود یعنی اندیشه های آن مکتب با هیچ اندیشه دیگری مخلوط نشود این خلوص اینجا حفظ شده اما به قیمت فدا کردن توانایی یعنی این مکتب دیگر هیچ کاری از آن بر نمی آید گره ای را نمیگساید ولی خالص باقی مانده از طرفی مکاتبی ممکن است باشند که از توانایی ظاهری برخوردار باشند یعنی در برابر مشکلات و سنوالاتی که برایشان پیش می آید جوابهایی را آماده کرده باشند اما وقتی به درون آنها نظر میکنیم می بینیم این پاسخها را از خودشان و از شخصیت اصلی و اولی مکتب بیرون نیاورده اند بلکه با اخذ و اکساب از جاهای دیگر توانسته اند به پاسخ آن مشکلات توانا بشوند از این لحاظ است که ما تیکه میکنیم که توانایی و خلوص دو امری است که پیروان هر مکتبی طالب آند و مایلند که هم این را حفظ کنند هم آنرا و هیچیک را دریای دیگری فدا نکنند. گره زدن این دو تا یعنی خلوص و توانایی وقتی مشکل میشود که حرکت پیش رونده اجتماعات را در نظر بگیریم و پیش آمدن سنوالات و مشکلات نوین را هم در نظر بگیریم اگر جوامع عوض نمیشدند و اگر وضع جهان همچنان باقی میماند که در همان ابتدا بود در این صورت اگر مکتبی توانایی حل مشکلات ده قرن پیش را داشت امروز هم میتوانست آن مشکلات را حل کند برای اینکه جوامع همچنان جوامع ده قرن قبل بودند. اما وقتی که جوامع عوض میشوند و افکاری در جوامع متولد میشود و موقعیتهای جدیدی در جهان پیش می آید مکاتبی که میخواهند با این موقعیت ها روبرو بشوند و این مشکلات نوین را حل کنند و توانایی خودشان را در مواجهه با امور جدید همچنان حفظ کنند در اینجاست که پیوند زدن خلوص و توانایی مشکل میشود و از طرافت بسیار زیادی برخوردار میشود چون از یکطرف به خاطر خالص باقی ماندن باید چیزی را از شخصیت اصلی مکتب حذف نکنند و عوض نکنند ولی از طرفی بخاطر توانا بودن میباید به نحوی خودشان را تطبیق بدهند مثل یک موجود زنده ای که وضعیت حاضر آنها را لگنمال نکند و له نکند و اینها بتوانند بخوبی از عهد مسائل بریبایند در اثر هدیه هاست که انقطاع واقع میشود یعنی خیلی از کسانی که از طرفی دل بستگی دارند به مکتب و از طرفی هم مشکلات جدیدتری را میبینند و میخواهند به کمک مکتب مشکلات جدید را حل بکنند از یک راه نادرست مخفی وارد میشوند نام مکتب را حفظ میکنند ولی محتویش را خالی میکنند و از چیز دیگری بر میکنند و بعد چنین وانمود میکنند که این

## \* در مذهب شیعه که می

**گویند راه اجتهاد باز است به این معنا است که کسانی هستند که بتوانند خلوص یک مکتب را با توانایی آن در کنار هم حفظ کنند**

## \* کسانی هم هستند که در

**برخورد با مشکلات جدید، عکس العمل دیگری نشان میدهند و می گویند با ما نیست که این مشکلات را پاسخ دهیم، خود امام زمان وقتی ظهور کردند بخوبی می دانند چه بکنند.**

همان مکتب است که به خلوص خودش باقی مانده و دارد به مشکلات نوین هم پاسخگویی میکند در اینجا در واقع اینها می آیند و خلوص را دریای توانایی قربانی میکنند

اما در ظاهر جمله همان مکتب کهن را پوشیده است کسانی هم در مواجهه با مشکلات جدید عکس العمل دیگری نشان می دهند می روند و در خانه ها قایم می شوند می گویند با ما نیست که این مشکلات را پاسخ بدهیم خود امام زمان وقتی ظهور کرد ایشان بخوبی می دانند که اینها را چه کار بکنند ماقصود باید دید شخصی خودمان را حفظ کنیم زیاد وارد این مسائل پیچیده هم نشویم و به عبادات خودمان اکتفا کنیم و به عبادت فردی خودمان اکتفا کنیم و مشکلات را خود خفاوند حل می کند امام حل خواهند کرد امام زمان الی آخر. اینها درحقیقت جور دیگری چاره جویی می کنند اینها به گمان خودشان توانایی را در پای خلوص دارند قربانی می کنند یعنی می گویند ما بگذاریم دینمان دست نخورده و خالص باقی بماند، حرف دیگری، اندیشه های الهامی، کفر امیز واردش نشود از خودمان اظهار نظر نکنیم در دین خداوند مبادا که دچار خطایی، گناهی شده باشیم و انحرافی. بعد وقتی که می بینید که یک چنین عقائدی که اینها دارند با این کوچکی و حقیری

نمی تواند پاسخگویی مشکلات باشد اکتفا می کند به عبادات فردی خودشان و فرد و جامعه و تاریخ و حکومت را و همه چیز را می سپارند به دست دیگران که وارد صحنه بشوند مشکل دقیقاً از آنها پیدا می شود که یک مکتبی می خواهد در برابر همه مکاتب موجود در جهان عرضه وجود بکند و مدعی باشد که مشکلات را به همان اندازه و بلکه بهتر از آنها می تواند حل بکند و در عین حال مدعی هم باشد که این همان مکتبی است که از گذشته بوده است و ما همه چیز را داریم از شکم خود او استخراج می کنیم و هیچ چیز که غیر آن مکتب باشد به آن نیاز نرود این خوب توجه بکنید همانطور که از ابتدا هم گفتیم، حفظ خلوص و توانایی اینها مشکل اصلی و مسئله اصلی هر مکتب است مخصوصاً وقتی که مکتبی به قدرت می نشیند و مدعی حل مشکلات و معارض با دشمنان خودش می شود بدیهی بود که با پیروزی انقلاب این مطلب به طور جدی مطرح بشود به نظر من در واقع اجتهاد که بحمد الله در مذهب شیعه باز هست. تعریف دقیقش همین است که کسانی باشند بتوانند خلوص یک مکتب را با توانایی او گام به گام حفظ کنند یعنی از طرفی مجتهد باشند به معنای اینکه به زوایای و دقائق یک مکتب آشنا باشند ولی از طرفی چنان شجاع باشند و چنان مبتکر باشند که بتوانند در برابر مسائل مهم از همان مکتب که دیگران در آن پاسخی نمی دیدند بتوانند پاسخی استخراج کنند و مسائل جدید را حل بکنند بنا بر این در یک کلام می توانیم بگوئیم که اگر اجتهاد به معنای صحیح و دقیق کلمه در این جامعه باقی بماند و حفظ و تقویت بشود ما همیشه می توانیم که از خطر انقطاع برهیزیم من در اینجا یک نکته را هم اضافه میکنم بگمان من انقطاع اساساً مسئله همه مکتهای در همه ادوار است و نباید از این ترسید که مبادا یک فکر بیگانه ای وارد بشود فکر بیگانه همیشه وارد می شود و هیچ گریزی از این نیست، ما که درها را باز گذاشتیم ما که فکر می کنیم از دستاوردهای دیگران هم باید استفاده کنیم معلوم هست که میان این فکری که وارد می شود خوب و بد هست، سره و ناسره هست پاک و ناپاک هست همه رقمش هست، منتها آن کلری که باید بگیریم این هست که درست مثل یک بدن زنده که وقتی چیزهایی را می خورد خوب این چیزها آلودگی هم گاهی دارد میکروب هم دارد مواد ناسالم و ناپاک هم دارد ولی هاضمه چنان قوی است که از مواد پاک جذب انرژی می کند مواد ناپاک را هم دفع میکند در واقع آنچه که مادر جامعه ها احتیاج داریم نباید اینجورزی تعبیر کنیم که درها را باید ببندیم و یک صافی بگذاریم که می خواهد افکار صاف بیاید تو. هیچ وقت کسی نمی تواند به افکار بقیه در صفحه ۶۱

«سلام می حتی مطلع الفجر» آن نفس وروح منفس در اینست است هیچ آفت نخواهد دید تا سیرش

انسان در این عالم باید خود را از آفات تا دم مرگ ایمن بدارد. مهم اینست که انسان خود را

۲- ایمنی است تا طلوع فجر از نظر زمان امتیازی که این زمان گرفته از چه

## تفکر، خمیرمایه ....

طلبا بشود اما در قدیم معروف بود، گردی است درست می کنند شرائضی دارد دقتهایی دارد پس از درست شدن این خاصیت را دارد همس را بگذارند روی آتش و سرخ شود و از آن گرد دوش پیاپی بگذارند خنک بشود طلای خالص می شود یک چنین موجودی را بنام کیمیا می نامند اگر هست نمی دانم و اگر نیست مثال است و آن کیمیا توحید است که در روح انسانی وارد بشود این انسان را بر می گرداند یک وحشی از دنیا و عقبی خبر ندارد پس از مدتی بر می گردد و ابانر زمان می شود سلمان ثورانی می شود این توحید است که در روح انسانی وارد شود نتیجه این است که باید در یک مدت کوتاهی به تفکر بنشیند و از این جهل و نادانی و فقر فکری برون بیاید جمله ای را از علی (ع) نقل می کنم ای مولای ما ای کسیکه سخنان از همه سخنها پرارزش تر است.

«والله ان فی اطراف الدنيا مومنین»

شما را می گوید ای پیرو دانی شما را می گوید ای بی تردید شما هستید به حقیقت ... که در اطراف دنیا از مومنی اطلاع دارم تمام دنیا را یک حلقه طلا کنند تمام دنیا را یک سکه طلا کنند و از گردن آنان بیاویزند و بیفتند و گم شود متاثر نمی شوند چرا پیش آنها ارزش ندارد، ارزش مال کی است؟ فرمود: ارزشمندترین انسان آن انسانی است که این جهان در نزد او ارزشی نداشته باشد.

## قیمت های نفت ....

نفت تقریباً با حداکثر ظرفیت تولید از منابع نفتی بهره برداری میکرده اند افزایش امکانات افزایش تولید از کشورهای غیر عضو اوپک در آینده تا حدود زیادی محدود است.

قیمتهای نفت خام در طی باقیمانده سال مسیحی ۱۹۸۲

طی محاسبات کمیسیون اقتصادی اوپک تقاضای برای نفت خام اوپک طی سه ماهه سوم و چهارم سال ۱۹۸۲ به نحو قابل توجهی افزایش خواهد یافت و اگر تقاضای نفت خام در سه ماهه دوم برای نفت خام اوپک حدود ۱۷ میلیون بشکه در روز بود، در سه ماهه سوم به متجاوز از ۱۹ میلیون بشکه در روز و در سه ماهه چهارم به بیش از ۲۳ میلیون بشکه در روز خواهد رسید و با ازدیاد تقاضا قیمت های نفت خام نیز رو به افزایش خواهد گذاشت.

## ضرورت کارهای ....

مردم تسلط پیدا کند و به افراد بگوید که تا اینجا فکر کن و از اینجا به بعد را فکر نکن، چون ممکن است مخالف اندیشه های ما از آب در بیاید این کارها را که نمی شود کرد. بالاخره فکر جوانه می زند در افغان می روید پخش میشود اینها چیزهایی است که در بیشتر جوامع هم این ها وجود دارد. آنچه که ما باید بکنیم این هست که مایک جریان زلال پاک و قوی را در این جامعه جاری کنیم این هست که اگر چنین جو بیار و جو بیارهای آلوده و ناپاکی این طرف و آن طرف هم پیدای می شود در واقع اینها تنها هیچ ضرری نرساند بلکه به حجم این جو بیار پاک مامم افزوده بکند یعنی مانده تنها از اندیشه های ناپاک ضرر نبینیم بلکه به قوت اندیشه های خودمان هم بیافزاید چه جوری؟ از این طریق که وقتی که ما با یک اندیشه مخالف خودمان روبرو می شویم، این جریان قوی و پاک اینطرف به نحوی باشد که از آنها کسب قوت بکنیم شمامی دانید که بالاخره هرپهلوانی، پهلوان بودنش وقتی حفظ می شود که با حریف و با رقیب روبرو بشود هر چند وقتی کشتی بگیرد. اگر همه رقیبها را ما بیرون کنیم آن موقع این باطل است که ما بگوئیم مالولین پهلوان هستیم در این جهان بله وقتی رقیب نبود همه کس می تواند لاف قهرمانی بزند. اما فقط در میدان مبارزه و معارضه با رقیب است که، «آنکه شود بدید که نامرد و مرد کیست همان جا معلوم می شود، از این لحاظ بودن رقیب در جامعه نه تنها از قوت مانمی کاهد بلکه بر او خواهد افزود قهرمانی آنرا بیشتر تثبیت خواهد کرد. همین اینها بشرط این است که از این طرف جریان اجتهاد به معنای دقیق و صحیح کلمه وجود داشته باشد و با توانایی کامل هم هویت مکتب را حفظ کند و هم توانایی آن را و هم پاسخ مشکلات را از آن بیرون بیاورد و در عین حال در مقام معارضه و مبارزه هم تفوق خود را به رقیب نشان بدهد.

ادامه دارد

## توزیع سم ....

۳- با کلاسها و سمینارها برادران جهادی را در این مورد توجیه کرده بودیم که اهمیت مبارزات غیرشیمیایی را به زارعین متذکر شوند و از سم به عنوان آخرین حربه استفاده کنند که این کار بوسیله بودن شرکتهای وارد کننده و سودجو در پوته فراموشی سپرده شده بود.

۴- موارد مصرف، موارد عدم مصرف و نکات لازم بر روی برچسب سموم نیز رعایت شده بود. بهرحال این طرح در آن سال بمورد اجرا گذاشته شد و در اواخر اسفند سال ۵۹ وزارت کشاورزی نیز واردات سموم را در انحصار دولت قرار داده و توزیع نیز بوسیله کمیته های هماهنگی استان که از سه ارگان فقط با ماست، جهاد سازندگی و تعاونیها بوسیله جهاد با اتحادیه های تعاونی بر اساس اولویت سپرده شد که در این رابطه جهادهای استانها حداقل ۶۰ درصد کل توزیع سموم را در استانهای مختلف بعهده گرفتند.

شکل کار نیز بدین قرار بود که ابتدا کمیته ای تخصصی در مرکز بر اساس زراعت های مختلف و با در نظر گرفتن فاکتورهای سمومی را برای مصرف تجویز کرده و بر اساس میانگین واردات ۳ سال ارقامی نیز بوسیله سازمان حفظ نباتات تهیه و به شرکت پخش کود جهت تهیه و تحویل در تهران ارائه شد. و موقعی که سموم آماده شد کمیته مرکزی در تهران بر اساس فصل مصرف و مقدار تقاضای استانها از طریق ارگان مرکزی توزیع کننده سموم را به استانها ارسال می گردد.

نکته قابل ذکر در این مورد این است که علیرغم بعضی مشکلات و نارسائیهایی که معمول موقعیت خاص مملکت و

توضیح: بقیه مطلب را بعلاوه اشتباه چاپی در صفحه ۴۳ ستون اول از سطر «و حجم بسیار زیاد کار.....» مطالعه بفرمایید. باپوزش از خوانندگان در صورت امکان همین مطلب در شماره آینده بطور صحیح چاپ خواهد رسید.

۲ - مدل سازمان تحقیقاتی یا (سازمانی که بوسیله کشورهای شرق و غرب تاسیس شده است. پیش بینی که از سال ۱۹۸۰ تا سال ۱۹۹۰ قیمت نفت به قیمت های ثابت حدود ۵۵ درصد افزایش خواهد یافت.

با توجه به مطالب مذکور میتوان پیش بینی نمود که قیمت نفت خام بطور متوسط طی ۲۰ سال آینده در صورتیکه کشف عظیمی از نظر تکنولوژی تولید انرژی انجام نشود به قیمت های ثابت در سال ۱۹۹۰ بالغ بر حدود ۵۰ دلار و در سال ۲۰۰۰ بالغ بر ۸۲ دلار خواهد شد  
از: امور بین المللی وزارت نفت

### قیمتهای نفت خام ۱ - نراز مدت

بنظر میرسد در طی خام به قیمت های ثابت رفت علی که باعث می باشد:  
۱ - طبق مدلهای مدل اخیر دبیرخانه ا در سطح جهانی در چنانچه قیمت های نفت افزایش باید در سال تکلفوی تقاضا برای سال آینده قیمت های نفت طح ۳۲ دلار بالاتر خواهد سواری است بشرح زیر

نه اوپک مخصوصا کلیه بخشهای انرژی کار گرفته شده است نیاید یا فقط ۳ درصد ۱۹۹۵ تولید اوپک را نخواهد نمود